

خبر

ادعاهای تازه در باره یک مرگ مرموز

در تحقیقاتی جدید این ادعا مطرح شده که «توت عنخ آمون»، مشهورترین فرعون مصر فرد بیمار و ضعیفی نبوده و احتمالاً به دلیل ارابه‌رانی با سرعت بالا جان خود را از دست داده است. به گزارش ایسنا به نقل از انشتن اوریجنز، «سوفیا عزیز» ـ مصرشناس و زیست ـ پزشکی ـ در جریان جشنواره علمی «چلتنهام» درباره «توت عنخ‌آمون»، فرعون جوان مصری گفت: «او مانند یک جوان معمولی در آن زمان شراب می‌نوشیده و احتمالاً ارابه را خیلی سریع می‌رانده است و باز احتمالاً بر اثر تصادف با ارابه‌ای که به دلیل مصرف الکل، پرسرعت رانده می‌شده زخمی شده و در نهایت عفونت به مرگ او منجر شده و جان خود را از دست داده است.»

«سوفیا عزیز» همچنین اظهار کرد: «مقبره توت عنخ‌آمون حاوی شراب سفید خشک و شش ارباب بود که همراه او در مقبره دفن شده بودند که به همراه آن‌ها چندین زره نیز بود. این موارد شواهدی از شخصیت جنگ‌جویانه این پادشاه است. احتمالاً پای این جوان ۱۹ ساله با سرعت زیاد به قسمت جلویی ارابه برخورد کرده و باعث شکستگی شده و سپس زخم عفونی شده و این موارد از طریق کالبدشکافی تأیید شده است. بر این اساس، توت عنخ‌آمون احتمالاً یک جنگجوی سرسخت نبرد بوده، نه آن پسر ضعیف و بیماری که تاریخ او را شناخته است.»

با این و جود داستان‌های عامیانه در مصر باستان، توت عنخ‌آمون را از نظر سلامتی ضعیف و به صورت پانچیری (بدفرمی مادرزادی پا) به تصویر کشیده‌اند. مقبره او که به طرز چشمگیری حفظ شده بود نیز مؤید این نکته است و او را یا ۱۳۰۰ چوب تکه تکه‌شده و کامل با طرح‌ها و اشکال متعدد دفن کردند که نشان می‌دهد برای تحرک به عصا نیاز داشته است، اما از سوی دیگر چوب‌های پرتابی نیز در داخل مقبره وجود داشته که در شکار استفاده می‌شده است.

پروفیسور «سحر سلیم» « استاد رادیولوژی

و متخصص مومیایی از دانشگاه قاهره - نیز

استدلال کرد: «با بررسی سی‌تی‌اسکن توت

عنخ‌آمون، من هیچ مدرکی دال بر آرتزیت مچ پا پیدا نکردم. من بااین نظر من این است که وجود این بدشکلی خفیف احتمال قابل توجهی در راه رفتن برای پادشاه ایجاد نکرده بود و وضعیت پای او مانع از شرکتش در فعالیت‌ها نبوده است و او یک جوان فعال بوده است.»

دکتر «کمبل پرایس»، متخصصی بخش مصر در موزه متجسرت. نیز درباره توت عنخ‌آمون صحبت کرد و از این ایده حمایت کرد که توت عنخ‌آمون به عنوان یک پادشاه بیمار، تصویر افسانه‌ای دارد. او همچنین استدلال کرد که «تعداد زیادی

از مردان جوان در جنگ جهانی اول، اندکی قبل

از کشف مقبره توت عنخ‌آمون جان خود را از

دست داده بودند و بر این اساس، تصور یک

پسر بیمار از این پادشاه مصر باستان فراگیر

شد.»

گمانه‌زنی‌ها درباره معلولیت پادشاه توت عنخ‌آمون زمانی تشدید شد که محققان متوجه شدند یک استخوان میانی در انگشت دوم پای چپ او وجود ندارد. با این حال «سوفیا عزیز» ـ مصر شناس و زیست ـ پزشکی ـ با این استدلال که این استخوان ممکن است پس از انتقال به تابوت ناپدید شده یا به عنوان سوغاتی برده شده باشد، می‌گوید: «وقتی توت عنخ‌آمون را مطالعه کردم، شخصاً فکر نمی‌کنم مدرکی درباره معلولیت او وجود داشته باشد؛ زیرا من مومیایی‌هایی را دیده‌ام که به نظر می‌رسد دچار بدفرمی یا باشند. ما به این تغییرات «شبه آسیب‌ناشناختی» می‌گوییم. عصاره فقط نشانه سلطنت بود. پاهای او خیلی خوب در یک راستا قرار داشتند. با بدشکلی پا، او در راه رفتن مشکل داشت، اما استخوان‌های بلند یا هیچ مدرکی از آن بیماری نشان نمی‌دهند.»

یک کالبدشکافی ناشیانه در سال ۱۹۲۵، سه سال پس از کشف مقبره توت عنخ‌آمون توسط باستان‌شناس بریتانیایی «هاوارد کارتو»، منجر به از بین رفتن جسد و چندقطعه شدن آن شد. در سال ۲۰۰۵ نیز سی‌تی‌اسکن ضعیف دیگری سعی کرد دوباره فرضیه بدفرمی پای شاه جوان مصری را تأیید کند. با این حال، این بدفرمی آسیب‌ناشناختی می‌گوییم. عصاره فقط نشانه سلطنت بود. پاهای او خیلی خوب در یک راستا قرار داشتند. با بدشکلی پا، او در راه رفتن مشکل داشت، اما استخوان‌های بلند یا هیچ مدرکی از آن بیماری نشان نمی‌دهند.»



ایسنا هم در گزارشی از نخستین شب اجرای او نوشته است: «برگزاری کنسرت در دنیا همواره با تلاش برای فضاسازی، طراحی دکور، نورپردازی و ایده‌های خلاقانه همراه هست تا بدین ترتیب بتوانند رضایت مخاطبان را جلب کنند. کنسرت شب گذشته علیرضا قربانی هم در راستای رضایت‌بخشی بیشتر مخاطبان، از این موارد غافل نماند و در بخشی پس از قطعه «می‌دانی تو»، خواننده صحنه را ترک کرد و ارکستر به همراه نوازنده گیتاریس، فضای اجرا را از حالت موسیقی جدی قربانی خارج کرد و فضایی مهیج را برای مخاطبان رقم زد.

به گزارش ایسنا، اجرای موسیقی در مکان‌های تاریخی همیشه محل بحث کارشناسان میراث فرهنگی بوده است. درحقیقت این افراد بر این عقیده‌اند که برگزاری رویدادهایی مانند کنسرت به سبب صدای بالا و حضور جمعیت‌های زیاد، می‌تواند موجب تخریب در مکان‌های باستانی و تاریخی شود؛ چراکه پیش از هر چیزی لازمه برگزاری کنسرت بنا کردن دکور، استیج و جایگاه مخاطبان است که خود این امر می‌تواند به نوعی موجب آسیب شود. از طرف دیگر مخاطبان هر کدام به نوعی بسته به رفتارهای مخربی که می‌توانند داشته باشند، در ایجاد آلودگی و تخریب فضا موثر خواهند بود.

اما با این حال در سال‌های اخیر با وجود تذکراهی کارشناسان، مجوذهایی برای برگزاری کنسرت در مکان‌های تاریخی مانند تخت جمشید، کاخ نیاوران، عالی‌قاپو یا کاخ سعدآباد داده شده است که مثلاً در کاخ ملت از مجموعه سعدآباد، کنسرت «پرواز همای» با همراهی گروه «مستان» روی پله‌های کاخ ملت و چند متر آن طرف‌تر از جایی که ۹ سال پیش ترک‌های دیوار جنوبی کاخ سفید ملت به وجود آمدند، برگزار شد و چند سال بعد در همان محوطه کنسرت نمایش «آبی» برگزار شد که کم به فضای سبز آنجا آسیب زد. باشیم؛ ایجاد یک اتفاق فرهنگی، درآمدزایی به دنبال داشته، این اشکالی ندارد.»

به هر حال با وجود تمامی این مسائل، علیرضا قربانی

پس از تور شهرستان‌ها، به تهران رسید و پس از چهار

سال که آخرین بار در تالار وحدت به روی صحنه رفته

بود، این‌بار کاخ سعدآباد را برای برگزاری کنسرت خود

برگزید، آن هم در حالی که اگر کنسرت تنها پنج دقیقه

دیرتر تمام شده بود، همه زیر باران می‌ماندند!

در کنسرت قربانی، ورودی خیابانی که مجموعه

سعدآباد در آن قرار داده شده بود را بسته بودند و اجازه

ورود ماشین‌ها داده نمی‌شد و عملاً مکانی برای پارک

ماشین مخاطبان در نظر گرفته نشده بود که همین امر

در انتها موجب ترافیکی طولانی مدت شد.

پس از آن نیز صفی طولانی برای تهیه آب و اغذیه

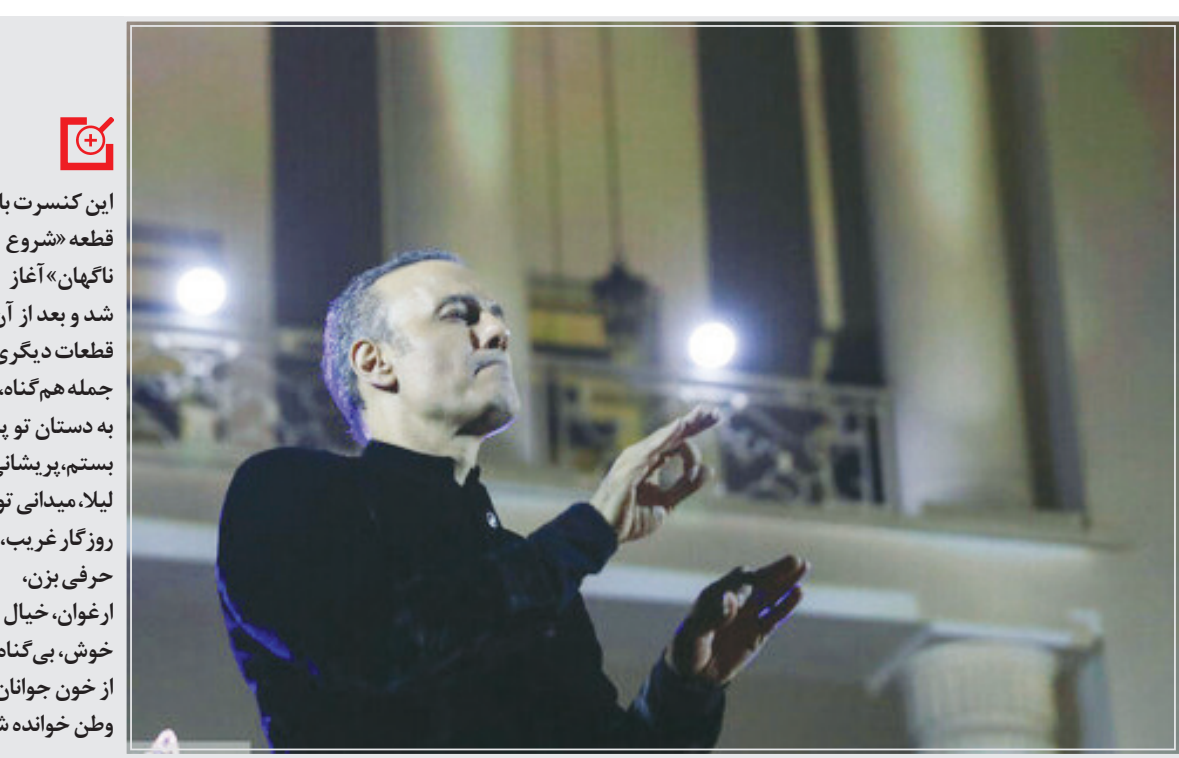
ایجاد شده بود که باعث می‌شد در صورت ضرورت هم

قید تهیه آنچه لازم داشتید را بزنید.

دوباره اجرای خواننده ای که بسیار محبوب است

شروع ناگهان علیرضا قربانی در سعدآباد

علیرضا قربانی جزو خوانندگان محبوب سنتی کشور است. بلیت های کنسرت اش به سرعت هر چه تمام تر تمام شد تا ثابت شود او قرار است جای خای خوانندگان محبوب نسل پیش از خود بگذارد.



اما از همه اینها گذشته، مقابل کاخ ملت استیج و صندلی مخاطبان قرار داده شده بود که پس از گذشت نیم ساعت از زمان تعیین شده برای برگزاری کنسرت، اجرا شروع شد.

این کنسرت با قطعه «شروع ناگهان» آغاز شد و بعد از آن قطعات دیگری از جمله هم‌گانه، من توبل بستم، پریشانی، لیلا، میدانی تو، حرفی بز، ارغوان، خیال خوش، بی‌گناه و از خون جوانان وطن خوانده شد.

اما از همه اینها گذشته، مقابل کاخ ملت استیج و صندلی مخاطبان قرار داده شده بود که پس از گذشت نیم ساعت از زمان تعیین شده برای برگزاری کنسرت، اجرا شروع شد.

این کنسرت با قطعه «شروع ناگهان» آغاز شد و بعد از آن قطعات دیگری از جمله هم‌گانه، من توبل بستم، پریشانی، لیلا، میدانی تو، حرفی بز، ارغوان، خیال خوش، بی‌گناه و از خون جوانان وطن خوانده شد.

در اواسط برگزاری این کنسرت، علیرضا قربانی خطاب به مخاطبان گفت: «بسیار خوشحالم که بعد از قریب به چهار سال مجددا در کاخ سعدآباد خدمت شما هستیم. قدم روی چشمان ما گذاشتید و به خودمان افتخار می‌کنیم که میزبان شما هستیم و توفیق شده

که بتوانیم برای شما برنامه‌های مختلفی را اجرا کنیم. قطعات مختلفی را تا اینجا شنیدید که قرارمان با تیم اجرایی، به خصوص آقای ناصری که مدیریت کار را برعهده دارند، این بوده که در کنار آثاری که همیشه در کنسرت‌ها درخواست اجرای آنها وجود دارد، آثاری که طی این سال‌ها هیچگاه اجرا نشده را هم در رپرتوار داشته باشیم.»

او در ادامه از مخاطبان خواست که طی اجرای قطعه

اسماعیل سلطانیان درگذشت

وداع با یک پیشکسوت نجیب

الان متأسفانه ناتوانم و فعلاً در منزل استراحت می‌کنم تا ببینم چه می‌شود. در آخرین گفت‌وگویمان با این هنرمند فقید، وقتی از آرزوهایش پرسیدیم گفت بود که آرزویش فقط این است که مثل انسان زندگی کنیم، هوای بکدیگر را داشته باشیم و با هم مهربان باشیم مثل انسان‌های واقعی. او تأکید کرده بود از خدا می‌خواهد کمکش کند روی پاهایش بایستد و خوب باشد که نگاه مهربان فرزندانش کمتر مضطرب شود. سلطانیان با وجود اینکه اواخر عمرش حال مساعدی نداشت اما با انرژی و آمیدی عجیب درباره روزهایی که برایش گذشت می‌گفت؛ «به هر حال سال ۱۴۰۱ هم با همه خوبی‌ها و بدی‌هایش گذشت. دنیا همه چیزش بد نیست خوبی هم دارد. بالا و پایین دارد. انسان مثل چهارفصل می‌ماند؛ بهار دارد تابستان، پاییز و زمستان. فقط باید امیدوار بود.» او خطاب به مردم کشورش هم اینطور اظهار علاقه کرده: آرزوی سلامتی، سربلندی و عاقبت بخیری برای همه دارم.

اسماعیل سلطانیان در آخرین گفت‌وگوش با ایسنا در واکنش به این جمله که آیا مدیران سینما و تلویزیون جویای احوالش هستند و صحبتی با آنها دارد؟ گفته بود که کم و بیش جویای احوالش هستند و برخی دوستان تماس می‌گیرند. او خاطرنشان کرده بود همه می‌دانند که مدت هاست جراحی کرده و توان کار کردن ندارد و حال خوبی هم ندارد اما باز هم علاقه‌اش به بازیگری و کارگردانی دارد.

این هنرمند پیشکسوت کشورمان گفته بود که حرف خاصی با کسی ندارد فقط مثل همیشه احترام به پیشکسوتان را تأکید کرده بود.

بارور کنید. ایده باید زایش پیدا کند و نو شود. امروز با پیدایش هوش مصنوعی با داشتن ایده است که می‌توانید از آن پیشی بگیرید. کارگردان «سینما متروپل» در ادامه با اشاره به اهمیت قصه در فیلمسازی، گفت: معمولاً آنچه در قصه به آن توجه می‌شود توصیف عینی و ذهنی است. اگر قرار باشد قصه تبدیل به فیلم شود در ابتدا باید تبدیل به زیبایی‌شناسی تصویری شود و بتوان به آن اتکا کرد.

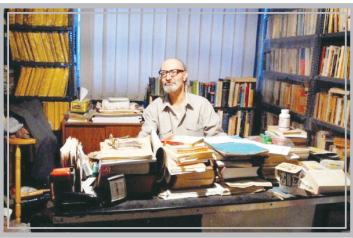
وی ادامه داد: در مورد فیلمنامه‌های اقتباسی در کشورمان هنوز راه زیادی داریم. امیدوارم آرام آرام اقتباس هم جایگاه خود را پیدا کند تا ضعف قصه گویی جبران شود. البته گاه اختلافاتی میان نویسنده اصلی و سازنده پیش می‌آید که اجتناب‌ناپذیر است. یکی از بهترین نمونه‌های همکاری قصه‌نویس و کارگردان میان استاد هوشنگ مرادی کرمانی و مرحوم کیومرث پوراحمد به‌وجود آمد که نتیجه‌اش قصه‌های مجید بود که ماندگار هم شد.

کارگردان فیلم سینمایی «سرو زیر آب» ادامه داد: به خاطر دارم سال ۹۷ حدود ۱۵۰ فیلمسازی اول درخواست کار دادند و حدود ۳۵ فیلم ساخته شد و از آن ۳۵ فیلم ۱۱ الی ۱۲ فیلم وارد جشنواره فیلم فجر شد. من معتقدم شاید ورود به سینما ساده باشد ولی چیزی که سخت‌تر است، ماندن در سینما است.

فرهنگ و هنر

اخبار

علی‌اصغر بهرامی در گذشت



علی‌اصغر بهرامی، مترجم در ۸۳ سالگی از دنیا رفت.

فرنگیس مزداپور، استاد دانشگاه و همسر این مترجم با تأیید این خبر به ایسنا، گفت: آقای بهرامی امروز (چهارشنبه، ۲۴ خردادماه) بر اثر ایست قلبی از دنیا رفت.

او درباره زمان مراسم خاکسپاری نیز گفت: در حال انتقال پیکر او به شیراز برای خاکسپاری هستیم و به احتمال زیاد فردا در قطعه هنرمندان آرامتستان شیراز به خاک سپرده می‌شود.

علی‌اصغر بهرامی (ع.ا. بهرامی)، زاده ۱۳۱۹ در شیراز بود. در چهارسالگی به مدت ۱۰ سال در نی‌ریز زندگی کرد و سپس به شیراز برگشت و دیپلم پایان تحصیلات متوسطه را از دبیرستان شاهپور این شهر گرفت. تحصیلات دانشگاهی‌اش را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی در شیراز و سپس در زمینه تدریس زبان انگلیسی در سیدنی انجام داد. او پس از چند سال تدریس در سمنان این کار را در شیراز ادامه داد و پس از یازنشتستگی برای سکونت به تهران آمد.

«افسونگران تایتان»، «سلاخ‌خانه شماره پنج»، «شب مادر»، «خشکسالی»، «در طلب زرشنت»، «اساطیر مشرق‌زمین»، «کابوس چهاربعدی»، «پایان راه»، «مردی بدون وطن»، «گالیلاگوس»، «قصه عشق»، «اساطیر خاورمیانه»، «امپراتوری خورشید»، «گهواره گریه»، «ببی در کجا»، «ساحل پایانی»، «دنیای بلور»، «برج»، «همه چیز فرو می‌پاشد»، «هنرمندهایی برای نژول در دوزخ» و «منطقه مصیبت‌زده شهر» از آثار به‌جامانده از این مترجم‌است.

آغاز اکران «کت چرمی» در آلمان



فیلم سینمایی «کت چرمی» به کارگردانی حسین میرزامحمدی در حالی هفته اول فروش خود را سپری می‌کند که اکران بین‌المللی خود را هم آغاز کرده است و فیلم در شهرهای مختلفی از آلمان اکران می‌شود.

به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی فیلم، فیلم سینمایی «کت چرمی» به کارگردانی حسین میرزامحمدی و تهیه‌کنندگی کامران حجازی در حالی هفته اول فروش خود را سپری می‌کند که اکران بین المللی خود را هم آغاز کرده است و فیلم در شهرهای مختلفی از آلمان اکران می‌شود. همچنین همزمان با این اکران از پوستر بین المللی آن هم با طرحی از محمد موحدینا رونمایی شده است.

همزمان با اکران «کت چرمی» در سینماهای ایران، این فیلم در شهرهای دوسلدورف، کلن، فرانکفورت، گوتنبرگ، برلین، مونیخ و… اکران شده است.

قرار است این فیلم در شهرهای دیگری از کشورهای اروپایی نیز به نمایش درآید.

«کت چرمی» در حالی اکران خود را از ۱۷ خرداد آغاز کرده که به جایگاه پرفروش‌ترین فیلم غیرکمدی این روزهای گیشه سینما دست پیدا کرده است.

در خلاصه داستان فیلم «کت چرمی» که یک درام معاصی است، آمده است: «عیسی فرهمند، کارمند بازرسی سازمان بزه‌پستی در جریان بازدید از یک مرکز نگهداری دختران خیابانی، متوجه بانده فساد مشکوکی می‌شود که او را به یک مهمانی زیرزمینی ممنوعه می‌رساند؛ مهمانی‌گت‌چرمی…»

جواد عزتی، صابر ابر، گلاره عباسی، با هنرمندی یانته‌آ پناهی‌ها، ستاره پسیانی، عباس جمشیدی‌فر، مائده طهماسبی، بهژاد خلج، امین میری، محمد صدیقی مهر، آیدا ماهیانی، با معرفی سارا حاتمی و با حضور افتخاری رویا تیموریان و سیامک احصایی گروه بازیگران «کت چرمی» را تشکیل می‌دهند.

«کت چرمی» محصول بنیاد سینمایی فارابی و موسسه ایوان آفرینش است و پخش آن را موسسه شهر فرنگ به عهده دارد که فعالیتش را به تازگی و با این فیلم آغاز کرده است.



و افزود: ویژگی برجسته این محوطه این است که بر اساس مجموعه سفالی به‌دست آمده، چپرآباد به فاز انتقالی دو دوره مهم پیش از تاریخ در توالی فرهنگی شمال‌غرب ایران، یعنی دوره‌های «دالما» و «پیزدلی» مربوط است.

بحرانی‌پور با بیان این‌که تا پیش از کاوش چپرآباد، مرحله گذار بین این دو دوره در هیچ محوطه‌ای شناسایی نشده بود، گفت: اگر امکان کاوش‌های بیشتر در این محوطه مهیا شود می‌توان امید داشت که اطلاعات بیشتری از این دوره ناشناخته پیش از تاریخ شمال‌غرب کشور به‌دست آید.

سد چپرآباد، بنابر آنچه مسؤولان شهرستان اشنویه و استان آذربایجان غربی اعلام کرده‌اند تا پایان تیرماه ۱۴۰۲ آگیری خواهد شد و به گفته رییس اداره میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی اشنویه، احتمالاً ۱۳ فیلم‌وارد جشنواره فیلم فجر شد. این محوطه، در حالی است که نتایج کاوش‌های تا کنون باستان‌شناسان نشان می‌دهد قدمت محوطه‌های تاریخی پشت سد چپرآباد به حدود هفت‌هزار سال می‌رسد. باستان‌شناسان معتقدند یافته‌های پشت این سد نقطه عطفی برای باستان‌شناسی جنوب آذربایجان غربی می‌دهد و اگر زمان بیشتری به کاوش اختصاص داده شود حتما رازها و اطلاعات بیشتری به دست خواهد آمد.

کشف روستای هفت‌هزارساله در شمال غرب ایران

او ادامه داد: تپه چپرآباد در برنامه بررسی و شناسایی به نام تپه گرگ‌و باد کد اختصاری «CHD۳۰» نام‌گذاری شد، ولی براساس اسناد میراث فرهنگی استان آذربایجان‌غربی و گفته اهالی منطقه به نام تپه «چپرآباد» معروف است.

سرپرست هیات باستان‌شناسی محوطه پیش از تاریخ چپرآباد، این محوطه را قدیمی‌ترین محوطه شناسایی شده در حوضه آگیری سد چپرآباد دانست و در تشریح دومین فصل کاوش نجات‌بخشی محوطه پیش از تاریخ چپرآباد، گفت: فصل نخست کاوش این محوطه در سال ۱۴۰۰ انجام شد و در آن فصل دو ترانشه (ترانشه‌های A و B) و دو گمانه کوچک (گمانه‌های I و II) در دو بخش جنوبی و غربی محوطه تا خاک بکر کاوش شد. در دومین فصل کاوش نجات‌بخشی محوطه چپرآباد نیز یک ترانشه به ابعاد ۶x۴ متر(ترانشه C) در بخش جنوبی محوطه تا خاک بکر کاوش شد.

این باستان‌شناس با بیان این‌که کاوش تا عمق ۱۸۰ سانتی‌متری با آشکار شدن معماری برج‌ا در این ترانشه و بستر صخره‌ای محوطه پایان یافت، اعلام کرد: نتیجه کاوش‌ها در این فصل نشان می‌دهد که محوطه چپرآباد روستایی کوچک به نیمه دوم هزاره پنجم قبل از میلاد مربوط بوده است.

باستان‌شناسان در قدیمی‌ترین محوطه شناسایی شده در حوضه آگیری سد «چپرآباد»، روستایی کوچک مربوط به نیمه دوم هزاره پنجم قبل از میلاد (حدود هفت‌هزار سال) را کشف کردند. سد چپرآباد قرار است در تیرماه آگیری شود و این محوطه در اولین مرحله آگیری‌سی سد زیر آب خواهد رفت.

به گزارش ایسنا، دومین فصل کاوش نجات‌بخشی محوطه پیش از تاریخ چپرآباد (تپه گرگ‌و باد استان آذربایجان غربی) انجام شد. این محوطه که قدیمی‌ترین محوطه تاریخی شناسایی‌شده پشت سد چپرآباد است، به فاز انتقالی دو دوره مهم پیش از تاریخ (دالما و پیزدلی) در توالی فرهنگی شمال‌غرب ایران مربوط می‌شود.

حنان بحرانی‌پور ـ سرپرست دومین فصل کاوش نجات‌بخشی محوطه پیش از تاریخ گرگ‌و باد استان آشنویه آذربایجان غربی درباره نتیجه کاوش‌ها در این محوطه گفت: محوطه باستانی چپرآباد که در حدود ۸ کیلومتری جنوب‌شرقی شهر اشنویه استان آذربایجان‌غربی و در بخش نالوس واقع شده، نزدیک‌ترین محوطه باستانی به ساکنه‌ها سد چپرآباد بوده و فاصله آن تا ج سد حدود ۵۰۰ متر است و با اطمینان می‌توان گفت که در اولین مرحله آگیری‌سی، این محوطه به زیر آب خواهد رفت.